



۲۰۱۶/۰۷/۲۶



عبدالرحمن فرقانی

## جنبش روشنایی؛ از عدالتخواهی تا تندروی!!

تندروی در هر پدیده خوب و بد قابل تطبیق است، در هر گونه حرکت مدنی و غیر مدنی قابل تصور است، در هر حرکت عدالتخواهی و عدالتجویی نیز قابل استفاده است. ما در فلسفه اسلامی خویش هر گونه تعامل را باید بر بنیاد ارشادات اسلامی بر اساس اصل وسطیت (میانه روی) براه اندازیم و تعاملات ما نباید از چارچوب وسطیت به سوی افراط (تندروی) و تفریط (بی باکی) انحراف کند، ما اگر بهترین و محبوبترین ارزش اسلامی یعنی نماز را به گونه افراطی آن بجا آوریم بمنظور اینکه ما را از وجایب اجتماعی خویش در خانواده، و جامعه که نیز مسوولیت آن را بدوش داریم باز میدارد از ما پذیرفتنی نیست و همچنان ما اگر در نماز تفریط مینماییم و در اوقات معینه آن به جماعت آنرا بجا نمیآوریم نیز از ما پذیرفتنی نیست و ما مورد عقاب قرار میگیریم، بناءً ما مکلف استیم در زندگی خویش به هر عمل و مسوولیت خویش رسیدگی نماییم.

بنا بر اساس این اصل ما در هر نوع حرکت مدنی دست باز نداریم که به گونه افراطی به آن بپردازیم و تحت چتر حرکت مدنی غوغای را در کشور مصیبت بار ایجاد نمایم، که موجب از دست دادن جوانان کشور، زیان مالی و اقتصادی به هموطنان و مشکلات بسیار زیاد شود و در فرجام خدمت به پروژه های سیاسی کشور های بیگانه شود. وقتیکه مشکل مذکور از طریق کمیسیون توظیف شده به امر رئیس جمهور کشور حل شد و کمیسیون فیصله خویش را با حضور داشت اعضای بلند پایه جنبش روشنایی اخبار کرد، و مساله تأمین برق به ظرفیت بزرگ تدارک دیده شد سپس آغاز مجدد این روند عدالتخواهی به معنی تندروی است همانند تندرویهای دیگر که بدون مبرر از ملت غیور افغانستان قربانی میگردد... و ما نشانه های این تندروی را در چهره و سیمایی رهبری دور دوم جنبش روشنایی حین بحث های تلویزیونی و بیانیه های خیابانی شان به گونه روشن مشاهده کرده میتوانیم.

ما افغان ها با مشکل روبرو شده ایم که بسیار فریبنده، خطرناک و زینبار است، ما تحت عنوان بسیار زیبا (عدالتخواهی، عدالتجویی، دیموکراسی، حقوق بشر، مردم سالاری...) مطالب خویش را مطرح مینمایم، اما فراموش میکنیم که ما به گونه افراطی مطالب و خواسته های خویش جهت شخصیت سازی خویش و اهداف بیگانگان مطرح مینمایم. اگر مساله برق بود، خوب برق برای بامیان طبق دستور رئیس جمهور با ظرفیت بزرگ تامین میشد و آیا منبهد مساله ارزش این را داشت که ما رهبری (سنتی!) خویش را کنار زده به سفارتهای کشور های بیگانه برویم و از حکومت خویش داد بزنیم و یا کشور بحرانی خویش را به بحران مزید بکشانیم و یا جوانان عزیز خویش را قربانی کنیم .... افغانستان کشوری که از چند دهه بدینسو در پهلوی جنگ خانمانسوز از مصیبت های بسیار زیاد می نالد. تمام آنده از پدیده های شومیکه وحدت ملی یک ملت غیور و سربلند را تهدید میکنند در حال توسعه و فراگیری است، همه آنده از پدیده های بر پیکر یک کشور نیرومند، متحد و یک پارچه ضربه مهلک و تباہ کننده وارد میکند در حال اوج گرفتن و پختگی است، همه آنده از پدیده های برای اهداف و دسایس شوم بیگانگان موثر و کارا می باشد به گونه بسیار ساده بدون هیچ گونه مزاحمت در حالت تطبیق و اجرا است..

اگر از یک طرف قوت های استعماری از شعار و حربه دیموکراسی جهت تطبیق اهداف استعماری خویش استفاده سؤ نموده پروسه تطبیق دیموکراسی را خود آنها به بی راهه کشیده و تلاش می نمایند تا از طریق تطبیق میکانیزم دیموکراسی اراده ملت غیور افغانستان در کشور عزیز ما به گونه واقعی تمثیل نشود و حقوقی را که دیموکراسی برای ملت های غربی تأمین میکنند، برای ملت رنجیده افغانستان ازین طریق تأمین نشود. از سوی دیگر آنهایکه بدون فهم عمیق و همه جانبه در تناقض با فرهنگ ملی و ارزشهای اسلامی علاقه مندی خاص با ارزشهای غربی و نظام دیموکراسی دارند، تا حدی درین مورد قدم پیش میگذارند، که دیموکراسی را به طور مطلق می خواهند در جامعه ما بقول ایشان جامعه (سنتی!) تطبیق نمایند، در حالیکه ارزشهای مذکور چون یک میکانیزم برای نظامداری حتی در غرب نیز به گونه نسبی قابل تطبیق است، و اسلام صلاحیت توظیف آنرا برای تنظیم امور حکومتداری دارد و به گونه قابل تطبیق است که ضرر از خود بر دیگران بجا نه گذارد... ما وقتیکه از تأمین حقوق خویش در یک کشوری که دست و گریبان مشکلات و چلنج های فراوان است وارد عمل میشویم، باید تمام ابعاد حرکت عدالتخواهی خویش را بررسی همه جانبه نمایم؛ شرایط بحرانی کشور، مساله و چلنج مورد نظر، تأثیرات آن در روابط و پیوندهای موجود

در میان همه اقوام افغانستان ویا ایجاد عوامل تفرقه میان اقوام و بالاخره مفیدیت آن در تحکیم صلح و ثبات گمشده همه مردم افغانستان تعطیل مصالح عامه مردم... در نخست نباید عمل عدالتجویانه ما باعث ضرر به دیگران ویا هم کافه اقوام افغانستان و یا هم اهداف استخبارتی و استراتژیکی کشورهای بیگانه شود ونباید موجب تحقق اهداف شوم کشورهای رقیب همسایه ما شود.. ما وقتی از حق سخن میزنیم باید حق طلبی در محور و چار چوب ارزشهای ملی باشد و نه هم بر اساس ارزشهای قومی، مذهبی و سمتی... مطرح شود، اگر ما از چین قوم، مذهب، سمت و زبان سر بیرون آریم بدون شک که ما احساسات یک ملت بزرگ متشکل از اقوام مختلف را صدمه میرسانیم و در فرجام آب به آسیاب دیگران میریزیم. ما در شرایط در افغانستان زندگی میکنیم، که تمام ارزشهای ملی و اسلامی ما دستخوش دسپیس بیگانگان گردیده و به جای اینکه به سوی وحدت و همبستگی قدم برداریم به سوی تشتت و تفرق داریم حرکت میکنیم و بدست خویش به اهداف کشور های بیگانه برنامه ریزی نموده وازین طریق برای خویش درمحیط پر فلاکت و بحران افغانستان ساحه نفوذ می خواهیم.

اساس مشکلات افغانستان و جهان اسلام در تحکیم فضاء بی ثباتی و عدم استقرار نهفته است، استعمار و کشورهای توسعه جو همواره کوشا استند تا در کشورهای مورد هدف حالت بی نظمی و عدم استقرار را حکمفرما سازند ودرین حالت پی تطبیق پلانهای استعماری و توسعه گرا خویش شوند. بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوری و بیداری اسلامی در مقابل استبداد و استعمار جهان شاهد یک نوع فرصتهای و زمینه های جدید گردید، که بعضاً استعمار و کشورهای توسعه جو از آن بهرمنده شده حالت عدم استقرار و ثبات را در کشورهای متعدد به میان آورد. در پهلو استعمار در عالم اسلام کشور بنام ایران نیز برای اهداف توسعه گرا خویش بر محور مذهب و فرهنگ از وضعیت به میان آمده بهره برداری نموده احياناً در تفاهم و هماهنگی با استعمار حرکت خویش را قوت بخشید و احياناً در بلند نمودن شعار دشمنی با غرب عرب ها را در اغفال قرار داده پلانهای خویش را تطبیق نمود درین مورد مثالهای بسیار زیاد و شواهدی بسیار متعدد وجود دارد، که ماجرا از عراق آغاز گردیده "لبنان، بحرین، یمن و سوریه لیبیا...." و افغانستان را در بر گرفت اگر از یک سو استعمار غرب در منطقه شرق الاوسط در نظر داشت تا از خلال این پروسه پلان "شرق الاوسط بزرگ" را تطبیق نماید، که در مجموع به تقسیم کشورهای منطقه شرق الاوسط و کشورهای اسلامی دیگر را به کشورهای کوچکتر و ضعیفتر تاکید می نماید از سو دیگر پلان مذکور برای تحقق اهداف توسعه گرا ایران نیز مفید واقع شد و به گونه مرموز پلان استعماری غرب تائید کرد هر چند پلان مذکور براساس نژاد، مذهب قابل تطبیق است که ما اکنون سر و صدا آنرا را در عراق دولت (کردها) دولت (شیعه ها) دولت سنی ها و همچنان طبق پلان باید بر همین اساس کشورهای کوچک و جدید در سوریه و عربستان سعودی، یمن، بحرین لبنان عرض اندام نماید و قابل تذکر است که پلان مذکور در افغانستان نیز قابل تطبیق است.

لذا در کشور عزیز ما افغانستان تلاشهای درین راستا در آستانه تطبیق است و حلقه های داخلی دارند برای آن به گونه شعوری و غیر شعوری زمینه سازی می کنند. ما ملت ستمدیده و غیور افغانستان که خار چشم ابر قدرتهای جهان در درازا تاریخ بودیم و استیم، ما ملت افغانستان رنجیده و سربلند افغانستان که در طول تاریخ به بشریت ثابت نموده ایم، که هر گز سر تسلیم برای دسپیس شوم استعمار گران خم نه نموده ایم و حتی بشریت را از وحشت و بربریت نظامهای استعماری نجات داده ایم، و آنچه که از عدم استقرار و ثبات سیاسی در افغانستان اتفاق افتاده است و ادامه دارد، در حقیقت هم جز همین خصوصیت ملت غیور است که به او امر و حاکمیت بیگانگان تسلیم نمیشوند... و تصرف ملت غیور افغان با آنهایکه عبرت تاریخ با بیگانگان سر نخ را گرفته اند، هم چون آفتاب آشکار و عیان است و اقوامیکه درین سرزمین زیسته اند سربلند و سرفراز زیسته اند و هیچ وقت فکر غلامی و وابستگی به دیگران را در سر نه پرورانده اند.

یک حقیقتی که باید همه ما آنرا به بسیار ساده گی درعرف سیاسی بدانیم، اینست که هر کشور و خصوصاً کشورهای همسایه نمی خواهند که کشوری نیرومندتر و قویتر از خویش را در جوار خویش داشته باشند، بناءً سعی و تلاش مذبورانه را بخرچ میدهند تا عوامل وحدت، پیشرفت و ترقی را در کشور همسایه خویش از بین بردارد و زمینه انکشاف و ترقی را پیش از پیش در هم و برهم نماید، بناءً ما هیچ وقت توقع همکاری و مساعدت بلا عوض کشور های همسایه را باید نه داشته باشیم.

بباید ما درین چنین یک وضعیت بحرانا به طرق و عوامل ثبات و استقرار فکر کنیم تا از دسپیس بزرگ استعماری و توسعه گرا نجات یافته با هم برادر وار زندگی کنیم و نه گزاریم که آتش تفرقه و تشتت قومی، مذهبی و لسانی جنبش روشنایی مذکور را باعث تاریکی تمام ملت افغانستان گرداند و بهره را دیگران بردارند، روشنایی اگر از هر طریق باشد روشنایی است. اگر هدف روشنایی باشد بگزاریم تأمین شود از هر طریقیکه تأمین میشود و اگر روشنایی وسیله تحکم و تفاوت باشد ما همه به قهقرای تاریکی فرو خواهیم رفت.

پایان

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د ليکنيزي بني پاروالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خبر و لولئ